

أفة التملق في العلاقات الإجتماعية ومعالجتها من وجهة نظر الإمام علي (ع)

اميد ابراهيمي^١، منصور بيرامي^٢، دل آرام محمدي^١

١- قسم العلوم التربوية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة تبريز، تبريز، ايران.

٢- قسم علم النفس، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة تبريز، تبريز، ايران.

* المراسلات الموجهة إلى السيد اميد ابراهيمي؛ البريد الإلكتروني: ebrahimi_o@Tabrizu.ac.ir

معلومات المادة

الوصول: ٢٨ رمضان ١٤٤٠

وصول النص النهائي: ٤ ذي الحجة ١٤٤٠

القبول: ٢٢ ذي الحجة ١٤٤٠

النشر الإلكتروني: ٢٣ محرم ١٤٤١

الكلمات الرئيسية:

الأخلاق

السلامة الاجتماعية

معرفة الأفات

الملخص

خلفية البحث وأهدافه: إن موضوع التملق وعواقبه الفردية والاجتماعية، هو الرذيلة الأخلاقية التي يبتلى بها الكثير من المجتمعات البشرية وكلما زاد مستوى هذه الصفة الرذيلة بين أفراد المجتمع، فسوف ينحدر المصير الاجتماعي لأولئك الناس نحو التقهقر والانحطاط بنفس المستوى. لهذا السبب، ان الغاية من هذا التحقيق هو دراسة أفة التملق في العلاقات الاجتماعية ومعالجتها من وجهة نظر الإمام علي (ع).

منهجية البحث: تمت هذه الدراسة بأسلوب مراجعة النصوص وقد سعى الباحثون الى دراسة جوانب افات التملق في العلاقات الاجتماعية بين الافراد عبر الاستفادة من الكتب والمقالات في مجال العلوم الدينية وعلم النفس المرتبط بالموضوع ومع التأكيد على نصح البلاغة. فإن مؤلفي البحث لم يشيروا إلى اي تضاد في المصالح.

الكشوفات: لقد دلت كشوفات هذا التحقيق على أن الأمام عليا (ع) يعتبر أن مصدر هذه الرذيلة هو حماقة وحقارة الفرد، وجود أصحاب مناصب تحب الثناء على أعمالها و ثقافة التملق والتي يعتبر مصدرها هو الشرك والجهل؛ وغايته النفس وثمرته هي العار والذل.

الاستنتاج: إستنادا الى النتائج يمكن القول أن التملق بين افراد البشر هو أمر علاقتي ونتاج عن العمل والتعامل بين الاقوياء والضعفاء في المجتمع ويعتبر نوعا من الأفات الاجتماعية ذات الجذور القديمة والتي تصيب السلامة الاجتماعية بأضرار كبيرة.

يتم استناد المقالة على الترتيب التالي:

Ebrahimi O, Bayrami M, Mohammadi D. Flattery Harm in Social Interactions and its Pathology from Imam Ali's Viewpoint. J Res Relig Health. 2019; 5(3): 137- 149. doi: <https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i3.18632>.

آفت تملق در روابط اجتماعی و آسیب‌شناسی آن از منظر امام علی (ع)

امید ابراهیمی^{۱*}، منصور بیرامی^۲، دل آرام محمدی^۱

۱- گروه علوم تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲- گروه روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

*مکاتبات خطاب به آقای امید ابراهیمی؛ رایانامه: ebrahimi_o@Tabrizu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۲ خرداد ۱۳۹۸

دریافت متن نهایی: ۱۵ مرداد ۱۳۹۸

پذیرش: ۲ شهریور ۱۳۹۸

نشر الکترونیکی: ۱ مهر ۱۳۹۸

چکیده

سابقه و هدف: موضوع تملق و عواقب فردی و اجتماعی آن رذیله‌ی اخلاقی است که بسیاری از جوامع انسانی به آن مبتلا هستند و به هر میزان این صفت رذیله در میان آحاد جامعه بیشتر باشد، به همان میزان سرنوشت اجتماعی آن مردم به سوی قهقرا و سیر انحطاطی پیش می‌رود. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر بررسی آفت تملق در روابط اجتماعی و آسیب‌شناسی آن از منظر امام علی (ع) بود.

روش کار: این مطالعه به روش مرور متون انجام شده و پژوهشگران تلاش کرده‌اند با استفاده از کتاب‌ها و مقالات حوزه‌های علوم دینی و روان‌شناسی مرتبط با موضوع؛ و با تأکید بر نهج‌البلاغه، ابعاد و آسیب تملق را در روابط اجتماعی افراد بررسی کنند. نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی گزارش نکرده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد امام علی (ع) سرمنشأ این رذیلت را حماقت و حقارت فرد، وجود مقام‌داران ستایش‌دوست و فرهنگ چاپلوس‌پرور دانسته‌اند که مبدأ آن شرک و جهل؛ غایتش نفس و ثمره‌ی آن خفت و خواری است.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان گفت تملق در میان انسان‌ها امری رابطه‌ی و محصول عمل و تعامل قدرتمندان و ضعیفان جامعه است و نوعی آسیب اجتماعی با ریشه‌ی دیرینه است که به سلامت اجتماعی صدمه‌ی بسیاری می‌زند.

واژگان کلیدی:

آسیب‌شناسی

اخلاق

سلامت اجتماعی

استناد مقاله به این صورت است:

Ebrahimi O, Bayrami M, Mohammadi D. Flattery Harm in Social Interactions and its Pathology from Imam Ali's Viewpoint. J Res Relig Health. 2019; 5(3): 137- 149. doi: <https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i3.18632>.

مقدمه

شناخت‌ها، انگیزش‌ها و رفتارهای آدمی را شکل می‌دهد و موجب کمال واقعی انسان می‌شود (۲) و از مهم‌ترین راه‌های بقا و ارتقای سلامت زندگی اجتماعی است (۳). از این‌رو، رشد و تعالی جامعه در گرو اصلاح فرهنگ و اخلاق فردی و اجتماعی آن است. نسبت و ارتباط مردمان با عالم و آدم و پروردگار عالم و آدم؛ و آداب و رسوم و سنن برخاسته از آن، مهم‌ترین وجه زندگی مردمان است و تا زمانی که این وجه از زندگی آنان اصلاح نشود، دیگر وجوه به طور اساسی اصلاح نخواهد شد

ارزش‌های اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی را به خود جلب کرده است؛ زیرا مکارم اخلاقی جامعه را از هر گونه آفت دور می‌کند و راه پیروزی و سعادت را به انسان نشان می‌دهد (۱)؛ علاوه‌براین، مبنای نظام نگرش‌ها،

در دراز مدت مدیران را از همراهی مردم محروم خواهد کرد (۱۲) و می‌تواند با خدشه‌دار کردن پیوند اجتماعی، یکی از عوامل تضعیف‌کننده‌ی سلامت اجتماعی باشد (۱۳)؛ در سطح کلان مشارکت مردم را در امور جمعی تضعیف می‌کند و به نوعی اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد و در سطح خرد ارتباط سازنده بین افراد را به سمت ریا می‌کشاند و در نتیجه ارتباط عمیق عاطفی که برای ایجاد روابط صمیمانه مؤلفه‌ی اساسی به شمار می‌رود، بین افراد ایجاد نخواهد شد (۱۴). از نظر دورکیم^۲ اگر افراد در چارچوب‌های اجتماعی جذب نشوند، زمینه‌ی آنومیک^۳ و مساعد برای رشد انحرافات فراهم خواهند کرد. در چنین حالتی هر نوع فردگرایی افراطی خواسته‌های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار خواهد داد (۱۵). همچنین میدان دادن به افراد تملق، اصل مهم انتقاد و نقد و نظر را به تملق تبدیل می‌کند و پویایی و آزادی اندیشه را از افراد می‌گیرد و آنها را به جمود فکری می‌کشاند. امام علی (ع) سرمنشأ این رذیلت را حماقت فرد می‌داند (۱۶) و خود و دیگران را از این آسیب بر حذر می‌دارند. چنانکه در خطبه‌ی ۲۱۶ نهج‌البلاغه مقابل ستایش فردی فرموده‌اند: «من از آنچه زیانت می‌گوید کمترم و از آنچه در دل داری برتر» (۱۷). از نظر حضرت، تملق‌گویی در بسیاری از موارد موجب انحراف می‌شود و زمامداران را از واقعیت‌ها و مشکلاتی که گریبان مردم را گرفته است، غافل می‌سازد. کسی که پیوسته ستایش شود و تملق دیگران را بشنود، پذیرش انتقاد برایش سنگین می‌شود و روز به روز از واقعیت‌های تلخ اجتماعی فاصله می‌گیرد. ایشان همچنین به صراحت اعلام می‌کنند: «یکی از بدترین حالات زمامداران نزد مردم نیک‌سیرت آن است که آنان را دوستدار ستایش بدانند و کارشان را به حساب تکبر و خودبزرگ‌بینی بگذارند» (۱۷).

از دیدگاه صاحب‌نظران، وجه بارز جامعه‌ی ایرانی در دوره‌های مختلفی از حکومت‌های متفاوت آزاداندیش تا مستبد، جدایی طبقه‌ی حاکم از عامه‌ی مردم و نوعی ارتباط عمودی بین فرودست با فرادست است. ارتباطی که گمان می‌رود منشأ انواع مداحی‌ها و چاپلوسی‌ها است. محسنیان‌راد به نقل از لنینتون^۴ در تحلیل محتوای اشعار ارتباطی ۴۳ اندیشمند نظم‌نویس ایرانی طی ۱۱ قرن و مجموعه‌ی از ضرب‌المثل‌های فارسی، به این نتیجه می‌رسد که نخبگان ایرانی در اثر فشار حاکم در دوره‌های نابسامانی استبداد ایرانی،

(۴). به نظر پیازه^۱ افراد زمانی می‌توانند از نظر اخلاقی رشد کنند که به دور از تفکر خودمیان‌بینی و خودمدارانه، بین خود و محیط اجتماعی تفاوت قائل شوند و با مدیریت تعاملات اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی را بسازند (۵). باوجوداین، گاهی ارتباط بین افراد از حالت اعتدال خارج می‌شود و در ستایش همدیگر، حالت افراط در پیش می‌گیرند تا حدی که این عمل ستایش، به صورت تملق در می‌آید که از صفات رذیله محسوب می‌شود.

اینکه قرآن کریم در اولین آیه‌ی سوره‌ی فاتحه، ستایش را فقط مخصوص خداوند متعال دانسته، به این دلیل است که خداوند در ذات اقدس خود تمام کمالات را دارد و شاید به صورت ضمنی پیامی که می‌توان از این آیه استنباط کرد پرهیز از افتادن مؤمنان در دام تملق‌گویی باشد (۶). تملق یکی از مشکلات بزرگ اخلاقی در عصر کنونی است که در تحقیقات گذشته اثر آن در زمینه‌ی ارتباطات بین فردی به صورت محدود مطالعه شده است (۷). بر اساس نتایج تحقیقات روان‌شناسی معاصر، تملق با عوامل فردی (عزت نفس پایین، کم‌رویی و نیاز به قدرت) رابطه دارد (۸) و یکی از بیماری‌های رایج اجتماعی شمرده می‌شود که از نظر کمی و کیفی؛ نسبت به گذشته بیشتر شده و در روابط استاد و دانشجو، روابط مبتنی بر کار تا رابطه‌ی مردم با دولت وجود دارد (۹). هر چند در فرهنگ ایرانیان تملق همواره زشت شمرده شده؛ اما این نوع رفتار جزئی جدانشدنی از رفتار اجتماعی عده‌ی از مردم است (۱۰)، به طوری که افراد به اندازه‌ی کافی در طول شبانه‌روز همدیگر را ثنای بی‌مورد می‌کنند، از رسانه‌های پر از تبریک و تمجید گرفته تا فضاهای سازمانی و اداری که به نوعی رفتارهای تملق‌آمیز در آنها فراگیر شده و به جای منکر جنبه‌ی معروف یافته و یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود (۱۱).

صاحب‌نظران حوزه‌ی علوم اجتماعی اعتقاد دارند که پدیده‌ی تملق به دلیل نشناختن ظرفیت‌ها و حرکت در جهت تأیید شرایط موجود بدون توجه به نقد و نظارت و ارزیابی از عملکردها؛ و در جهت همسویی مطلق با عناصر قدرت بدون در نظر داشتن کیفیت خدماتی که به مردم ارائه می‌شود، یکی از بلاهای روابط اجتماعی شهروندان به شمار می‌آید که نداشتن همدلی و خدشه در وحدت ملی را با خود به همراه خواهد داشت، زیرا در ایجاد اختلافات از یک سو و ایجاد غرور کاذب نزد قدرتمندان از سوی دیگر نقش چشمگیری دارد که

^۲ Durkheim^۳ Anomic^۴ Linton^۱ Piaget

تملق و شناسایی علل و عوامل آن در جامعه‌ی ایران از دیدگاه امام علی (ع) بود که زمینه‌ی مطالعاتی برای نظریه‌پردازی در حوزه‌ی روان‌شناسی اسلامی را فراهم می‌کند.

روش کار

این پژوهش به روش مرور متون انجام شده و پژوهشگران کوشیده‌اند با مطالعه‌ی متون اسلامی به‌ویژه نهج‌البلاغه؛ و قرار دادن گفتار و رفتار حضرت علی (ع) به عنوان معیار آسیب‌شناسی؛ منشأ و شاخص‌های رفتاری تملق‌گویان و تملق‌دوستان و آثار سوء اعمال آنان را در روابط اجتماعی جامعه‌ی ایران بررسی کنند.

یافته‌ها

معنا و مفهوم تملق

واژه‌ی تملق در قرآن به شکل املاق برای بیان نداری و مشکل مالی آمده است (۲۶) و در لغت، تملق یعنی چاپلوسی، چرب‌زبانی، خوشامدگویی؛ و یا ستایش و ستودن کسی که در انجام وظایف خود سهل‌انگار است (۲۷). تملق در زیر مجموعه‌ی ثنا و مدح قرار می‌گیرد، با این تفاوت که حمد و ثنا به دسته‌ی مثبت و منفی تقسیم می‌شود. اگر ثنا و مدح بر پایه‌ی صداقت و بیان حقیقت و واقعیت باشد، امری پسندیده است؛ اما اگر از صداقت و حقیقت بیرون برود و چیزی که در شخص نیست، بیان شود یا فضیلتی را دارا است ولی در آن حد و اندازه نیست و به شخص بیش از آنچه استحقاق دارد توجه می‌شود، در آن صورت این حمد تملق و حمد دروغین؛ و ناپسند شمرده می‌شود (۲۸). تملق مجموعه‌ی رفتارهای راهبردی است که به صورت نامشروع برای نفوذ در یک فرد یا لطف به همکاران یا افراد بالادست با توجه به ویژگی‌ها و جذابیت‌های شخصی طراحی شده است (۲۹). امیر مؤمنان (ع) در بیان معیار ارزش حمد و ثنا و جدا کردن آن از افراط و تفریط، یعنی تملق و حسادت می‌فرماید: ثنا و ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، ناتوانی و حسادت است» (۱۷).

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت که تملق امری رابطه‌ی است. منظور از امر رابطه‌ی این است که هیچ کس به خودی خود متملق نیست بلکه این شکل روابط و مناسبات است که جامعه‌ی را چاپلوس‌تر و جامعه‌ی دیگر را صادق‌تر می‌سازد. همواره در تملق دو طرف وجود دارد، یک طرف که

ابتدا مجبور به مداحی فرادستان شدند، سپس در اثر تحولات بعدی به سکوت روی آورده‌اند (۱۸). از سوی روشن است ارزیابی دیگران از فرد که در اثر تعامل فرد با آنها به وجود می‌آید در چگونگی نگرش او نسبت به خودش مؤثر است (۱۹) و بازخورد منفی نسبت به بازخورد مثبت کمتر صحیح پنداشته می‌شود و از طرف دریافت‌کننده نیز کمتر پذیرفته می‌شود (۲۰). نقد افراد در بیشتر مواقع موجب پریشانی می‌شود و به نوعی شایستگی و عزت نفس افراد را تهدید می‌کند (۲۱). این ویژگی موجب می‌شود که بیشتر صاحبان قدرت نسبت به شنیدن تعریف‌های بی‌جا و بیش از حد تمایل نشان دهند و به نوعی دوست دارند از آنها به خوبی یاد شود. پس در واکاوی عوامل پیدایش رفتارهای تملق‌آمیز باید دو دسته را مد نظر داشت: عده‌ی که ستایش طلب هستند و توقع تمجید کاذب را دارند و گروهی که هراسی از ریاکاری و ثنای بیش از اندازه‌ی دیگران ندارند. نیاز به موقعیت‌های اجتماعی بهتر و حرص به تزاید مالی گروه‌های یاد شده، سرنوشت آنان را به هم گره می‌زند و محتاج یکدیگر می‌سازد. نخست طمع‌ورزی در به‌چنگ آوردن امتیازات مادی و در پی آن تضمین منافع شخصی، دوم ستایش‌طلبانی که همواره با زبان و تبلیغ چاپلوسان اعتبار کسب می‌کنند و به کمک آنان به تثبیت قدرت و موقعیت خود مبادرت می‌کنند (۲۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کمبود واقع‌بینی و شایسته‌سالاری در نظام‌های اداری و عوالم قدرت و سیاست، همچنین بی‌نصیب‌بودن از دستاورد ابتکارات و خلاقیت‌های ناشی از تعقل‌گرایی، برخی افراد را به سوی ستایش‌گرایی و یا ایجاد رابطه‌ی عاطفی مرید و مرادی با مسئولان سیاسی و مدیران دستگاه‌های مختلف هدایت می‌نماید (۲۲). نتایج تحقیقات پورفلاحی (۲۳)، امام‌جمعه‌زاده (۲۴) و دسترنج (۲۵) نشان می‌دهد که پیشوایان اسلام نه تنها از چاپلوسی و ستایش نابجا بیزار بودند، بلکه مدح آمیخته به تملق را نیز عیب اخلاقی می‌شمردند که عزت نفس متملق را از او می‌گیرد، شخص ستایش‌شونده را به غرور و تکبر واهی گرفتار می‌سازد و بر ادامه‌ی جرم و گناه دامن می‌زند. علاوه‌براین، با ایجاد شکاف و فاصله بین رهبران و مردم؛ و فریب و غفلت دست‌اندرکاران از واقعیت‌های موجود، به تدریج پایگاه اجتماعی نظام را تضعیف و مشروعیت آن را نیز کم‌رنگ می‌سازد (۲۴). از این رو، ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه‌ی دینی و از راه‌های مقابله با این آفت است (۲۵). با این تفصیل، هدف پژوهش حاضر بررسی آسیب‌های

(۱۷). پس در محیط‌هایی که ستایش‌های افراطی متداول است، هر نوع تغییر باید پسند طبقه‌ی خاصی از جامعه را در پی داشته باشد. در این حالت، صداقت و پایبندی به اصولی که تأمین‌کننده‌ی منافع واقعی مردم است، جای خود را به تحسین مبالغه‌آمیز می‌دهد و به صور مختلف در روند وظایف اداری، محیط‌های کارگری، روابط افراد در ابعاد فردی و اجتماعی؛ توسعه، تولید و به‌طورکلی بر جامعه و کشور تأثیر سوء می‌گذارد.

ب) لطف و مرحمت: در این شیوه که معمولاً به صورت ترکیب با تعریف و تمجید به کار می‌رود، چاپلوس، با لطف و مرحمت در موارد مختلف نسبت به فرد هدف و برآوردن نیازهای وی علاوه بر آنکه خود را فردی انسان‌دوست نشان می‌دهد، وی را نسبت به خود مدیون می‌سازد. مطالعات حاکی از آن است که افراد به طور منظم به پیام‌ها و صحبت‌هایی که دارای مفهومی مثبت برای آنها است علاقه نشان می‌دهند و دوست دارند دیگران آنها را تمجید و مرحمت کنند و ناخودآگاه در صدد جبران آن برمی‌آیند (۳۲). اگر این بده‌بستان‌های متضاد حقیقت اخلاق ناب انسانی در هر جامعه، لایروبی و پاکسازی نشوند چه بسا در هاله‌ی مه‌آلود غفلت‌ها، رنج‌ها در چرخه‌ی زندگی و پس ماندگی‌ها در باورهای اصیل فزونی یابد.

حضرت علی (ع) هنگام عزیمت به صفین، از شهر انبار عبور می‌کرد. دهقانان این شهر طبق رسوم ایرانی تشریفاتی ترتیب دادند و به استقبال امام آمدند. آنان ابتدا پیشاپیش امام دویدند، امام سبب را پرسید، گفتند: امیران خود را بدان بزرگ می‌شماریم (۶)؛ امام (ع) ضمن نهی این کار فرمودند: «به خدا که امیران شما از این کار سود نبردند و شما در دنیایان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌گردید و چه زیانبار است رنجی که کیفر در پی آن است و چه سودمند است آسایشی که با آن از آتش در امان است» (۱۷). سپس اسب‌های زین کرده به حضور آوردند، امام (ع) در مورد آنها پرسید، گفتند: «این‌ها هدیه به پیشگاه مولا است و انواع غذاهای ایرانی هم آماده است، بفرمایید». امام (ع) فرمودند: «اسب‌ها را نمی‌گیرم مگر اینکه به جای مالیات شما حساب کنیم، در مورد غذایی که آماده کرده‌اید دوست ندارم از اموال شما چیزی بخورم، مگر اینکه بهای آن را بپردازم» (۶).

تحلیل مطالب یادشده حاکی است که این نوع لطف و مرحمت‌ها در دایره‌ی رشوه قرار دارد و بیشتر با پوشش هدیه اهدا می‌شود تا به نفع هدیه‌دهنده عمل شود. آنچه امروزه به

موضوع تملق است و طرف دوم که تملق می‌ورزد. نظام رابطه‌ی در اینجا به شکلی است که هر دو سمت قضیه برنده محسوب می‌شوند. به این معنا نباید نقد را به فرد متملق متمرکز کرد، چرا که تملق‌گویی تنها بیماری ضعیفا نیست بلکه محصول عمل و تعامل قدرتمندان و ضعیفان جامعه است (۹).

آسیب‌شناسی تملق

منظور از آسیب در مسائل اجتماعی، ظهور عیب و نقص و خروج از وضع طبیعی و پیدایش تباهی است؛ و منظور از آسیب‌شناسی که در اصل از جمله مفاهیم ورودی از دانش پزشکی به حوزه‌ی مباحث جامعه‌شناختی است، شناسایی عوامل اختلال درون نهادها و زیرمجموعه‌های اجتماعی، در ایفای وظایف و کارکردهای مورد انتظار هر کدام از آنها است (۳۰). پس در تعریف آسیب‌شناسی تملق می‌توان گفت بررسی و شناسایی آسیب‌ها و علل پیدایش آنها که سبب کند شدن و یا مانع توقف فرایند درست و بهنجار روابط می‌شود و هر عمل یا باور غیر اخلاقی که رابطه را از مسیر حق خارج؛ و در درازمدت روابط را از هدف حقیقی خویش دور می‌کند. بنابراین، هدف اصلی از آسیب‌شناسی؛ آشنایی با رفتارهای نابهنجار و ناسازگار، مطالعه‌ی علل این پدیده‌ها و تحلیل آنها به منظور یافتن راه درست مبارزه است.

انواع تملق

بدون توجه به قصد و نیت فرد متملق، رفتارهای افراد متملق‌گو به چهار شکل ذیل است:

الف) تعریف و تمجید: در این راهکار فرد چاپلوس به بیان نظرهای مطلوب درباره‌ی فرد هدف می‌پردازد، چون این حالت روانی در افراد وجود دارد که چنانچه متوجه شوند مطلوب و مورد توجه دیگران هستند، خود به خود تمایل ویژه‌ی نسبت به آنها پیدا می‌کنند. به‌طورکلی، همه‌ی افراد تمایل دارند مطلوب جلوه نمایند و دیگران نیز از رفتارهای مطلوب آنها مطلع شوند؛ اما تمجید بی‌جا و بیش‌ازحد رفتاری ناپسند تلقی می‌شود. هرچند برخی از صاحب‌نظران علوم رفتاری معتقدند که تملق خفیف در اول هر جلسه به ایجاد صمیمیت کمک می‌کند (۳۱).

حضرت علی (ع) ستایش را خوش نداشتند و همیشه مردم را از تعریف و تمجید بیجا نهی می‌کردند. در همین زمینه در نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «و بپرهیز از خود پسندیدن و به خودپسندی مطمئن بودن و ستایش را دوست داشتن؛ که اینها از بهترین فرصت‌های شیطان است تا بتازد و کرده‌های نیکوکاران را نابود سازد»

سوی انزوا و نابودی پیش می‌رود (۳۴).

د) خودنمایی: خودنمایی یعنی رفتار به شیوهی که از نظر فرد هدف مطلوب و مناسب است و یا رفتار به شیوهی که فرد را دارای ویژگی خاصی نشان دهد و وی را برای فرد هدف جذاب کند. در این شکل از تملق، افراد سعی می‌کنند در مراسمی که مقام بالاتر نیز در آن حضور دارد با چرب‌زبانی فریبنده به چشم بیایند یا با رفتارهایی نمادین موقع ورود دیگران به استقبالش بروند و هنگام خروج او را تا مسیری طولانی همراهی نمایند. این‌گونه افراد از نظر ظاهر به‌خوبی نقش بازی می‌کنند و می‌توانند عموم جامعه را به خود معطوف نمایند تا بدین وسیله به اهداف خود دست یابند. در واقع قدرت تظاهر و بازیگری آنان در سطح مطلوبی قرار دارد، هر چند محور پذیرش درونی و باطنی آنها شاید به همان نسبت کم‌رنگ و بی‌جان باشد (۳۵).

امام علی (ع) در بازگشت از صفین به تیره‌یی از قبیله‌ی همدان برخورد کرد، حرب بن شرحبیل شبامی که بزرگ آنان بود در رکاب حضرت پیاده به راه افتاد درحالی‌که امام سواره بود، حضرت خطاب به وی فرمود: «برگرد که این‌گونه راه رفتن موجب فریفته شدن والی و خواری مؤمن است» (۱۷). با توجه به اینکه یکی از برنامه‌های حضرت علی (ع) بازگرداندن شخصیت انسانی افراد و عزت نفس آنان بود به همین دلیل تحمل نمی‌کردند که حتی یک فرد عادی در مقابل رهبر دست به سینه بایستد، عملی انجام دهد یا سخنی بگوید که موجب تحقیر خودش یا بزرگ‌شماری حاکم به صورت متملقانه گردد (۶). از منظر روان‌شناسی اجتماعی، تظاهر به رفتارهای دینی، خودنمایی و نقض ارزش‌های انسانی ازجمله اشکال فساد اجتماعی است. وجود تملق و خودنمایی، روندهای عملکرد عادی و قانونی جامعه را بر هم می‌ریزد و افراد برای منافع مادی و روزمره به انواع خواری و پستی روی می‌آورند و در پی پاسخ به منافع خاص خود، هر وسیله و شیوه‌یی که هدف را نزدیک کند، برایشان مجاز شمرده می‌شود. همه چیز به حراج گذاشته می‌شود و تقلب و سودجویی به تخریب ارزش‌ها و هنجارهای جامعه منجر می‌شود و تعادل جامعه را بر هم می‌زند. این نوع رفتارها در تمامی زمینه‌ها رخ می‌کند و در نهایت موجب نقض قانون و ارزش‌های همبستگی اجتماعی می‌شود (۱۱). از طرف دیگر تلاش برای خودنمایی در جامعه موجب می‌شود انسان مثل بردگان مالک چیزی نباشد بلکه محصول کارش، تلاش برای به چشم آمدن و بزرگ جلوه کردن باشد که زندگی دنیوی بعضی افراد نمونه‌ی بارزی از این

رؤسا، مدیران و کارمندان ادارات در زمینه‌ی وظایفی که انجام می‌دهند با عنوان هدیه پیش‌کش می‌شود؛ غالباً مصداق رشوه‌یی است که چهره‌ی قبیح خود را تحت ردای زیبا و عاطفی هدیه پنهان کرده است و هدیه‌دهنده هدفی ندارد جز اینکه در مواقع لزوم بتواند از قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی هدیه‌گیرنده، به نفع خود و اطرافیانش سود ببرد و بهره‌برداری کند (۳۳).

ج) همسویی عقاید: در همسویی عقاید، فرد چاپلوس خود را با نظرها، عقاید و ارزش‌های فرد هدف همسو نشان می‌دهد. همسویی بر این فرض شکل می‌گیرد که انسان‌ها افرادی را دوست دارند که دارای ارزش‌ها و عقایدی نظیر خودشان هستند. برای مثال زیردستانی که می‌دانند بالادستان از همتای خویش راضی نیست و از وی در برابر بالادست خود انتقاد می‌کند، از این شیوه‌ی غیرمستقیم رفتار چاپلوسی استفاده می‌کنند.

امام علی (ع) در خطبه‌ی ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «... و بسا مردم که ستایش را دوست دارند، از آن پس که در کاری کوششی آرند، لیکن مرا به نیکی مستایید تا از عهده‌ی حقوقی که مانده است برآیم و واجب‌ها که بر گردنم باقی است ادا نمایم. پس با من چنانکه با سرکشان گویند سخن مگویید و چونان که با تیزخویان کنند از من کناره‌ مجوید و با ظاهرآرایی آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و نخواهم مرا بزرگ انگارید» (۱۷). از نظر حضرت تمجید و ستایش رهبران موجب می‌شود که آنها وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند و از عهده ادای حقوق مردم برنیایند (۶).

در هر جامعه‌یی به طور طبیعی افکار و عقاید متنوعی وجود دارد و همه‌ی مردم همواره در عقاید، دیدگاه‌ها و نظرهای خود با دیگران متفاوتند و هیچ کس مثل دیگری نیست. پس وجود نظام سالم نقد و انتقاد در جامعه ضروری است. اما نبود امکان بیان دیدگاه‌های متفاوت زمینه را برای تشنج سیاسی آماده می‌کند. زیر اگر به نظر مردم توجه نشود به تدریج حضور مردم در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی کشور کمتر می‌شود و ابعاد بی‌تفاوتی در جامعه نسبت به مسائل سیاسی و مصالح نظام گسترش می‌یابد. علاوه‌براین، نارضایتی‌ها بیشتر؛ و زمینه برای تشنج سیاسی آماده می‌شود. همچنین راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات جامعه معرفی نمی‌شود و به دلیل نبود ارتباط سالم بین افراد جامعه، امکان اصلاح نادرستی و ناراستی سلب می‌شود و رفته‌رفته جامعه به

واقعیت است.

منشأ تملق

یکی از رذایلی که در اثر انحراف قوه‌ی شهویه آثار ناگواری بر زندگی دینی و دنیایی شخص می‌گذارد و او را از نظرها ساقط می‌کند و از درجه‌ی اعتبار پایین می‌آورد چپلوسی است که خود نشان از شرک خفی در نهاد او دارد (۱۶). البته گاهی شیطان افراد را به بهانه‌ی تواضع به این بلیه دچار می‌کند و حال آنکه مابین آن دو (تواضع و تملق) فاصله‌ها است: مبدأ تواضع علم به خدای تعالی و نفس؛ و غایت آن خدا یا کرامت خدا و نتیجه‌اش کمال نفسانی است. درحالی‌که مبدأ تملق شرک و جهل، غایتش نفس و ثمره‌اش خفت و خواری است. به هرحال باید دانست که چپلوسی از آبخور نفاق و خودخواهی سیراب شده است (۳۶). گاهی، عادت بعضی از مردم شده است که چرب‌زبانی و تملق را دلیل بر مردم‌داری و حسن خلق تلقی می‌کنند و خلاف آن را نشانه‌ی حقارت و کم‌ارزشی و نبود شخصیت می‌پندارند (۳۷). امام علی (ع) سرمنشأ این رذیلت را حماقت فرد می‌دانند (۲۵). حضرت در بیان اصول روابط اجتماعی رهبران و مدیران جامعه، در نامه‌ی به مالک اشتر می‌نویسند: «تا می‌توانی به پرهیزکاران ببیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند» (۱۷). از این سخن امام (ع) می‌توان برداشت کرد که از دیگر عوامل به‌وجودآورنده‌ی چپلوسی، وجود طبقات حاکم ستایش‌دوست و فرهنگ چپلوس‌پرور است. زیرا این فرادستان هستند که زمینه را برای رشد چپلوسان آماده می‌کنند (۲۴). چپلوسان در روابط اجتماعی خود بدون آنکه به ضوابط اخلاقی پایبند باشند تنها برای کسب منفعت آنی و زودگذر دنیایی، خود را به قطب‌های قدرت نزدیک می‌کنند و با به‌کارستن شیوه‌های غیراخلاقی از دروغ و ریا گرفته تا تملق و ثنا، خود را در دل صاحبان مال و مقام جای می‌دهند. اینان که راه نفوذ در دیگر انسان‌ها را آموخته و نقطه‌ی ضعف و قوت هر کسی را پیدا کرده‌اند، با ستایش نابجا، دامی پنهان می‌گسترند و شکار خود را صید می‌کنند. با گستاخی و بی‌شرمی داد سخن می‌دهند و ناکرده را کرده و ناگفته را گفته جلوه می‌دهند و خود و ممدوح خود را به شقاوت می‌اندازند. امام علی (ع) در حدیثی تملق را وجه شبه نفس اماره نام می‌برند و می‌فرمایند: نفس اماره همچون منافق چپلوسی می‌کند و خود را چون دوستی سازگار و دلسوز جلوه می‌دهد و همین که فریب داد و بر انسان تسلط یافت، همچون دشمن بر او مسلط می‌شود و با خودخواهی و قلدری فرمان می‌راند و شخص را به جایگاه‌های

سوء و هلاکت می‌کشاند (۳۸).

اهداف تملق‌گویان

هدف انسانی که طالب خشنودی مردم است و به جلب نظر و قلوب مردم توجه دارد، آن است که آنها را در اموری مؤثر می‌داند که در آن طمع دارد. اما در مقابل کسانی هستند که با ریاضات شرعیه خود را تربیت می‌کنند، طالب رضای حق و زینت‌های دنیا آنها را نمی‌لرزاند، در ریاست طالب رضای حق هستند و هنگامی که زیردستند حق جو و حق طلبند و همچون آدم‌های شریف گذران عمر می‌کنند (۲۵). هدف چپلوسان فریب و غفلت دست‌اندرکاران از واقعیت‌های موجود است، از آنجا که افراد تملق‌گو واقعیت‌ها را از دید رهبران مستور می‌دارند و موجب تلبیس حق و باطل می‌گردند، در قرآن مجید خدا و مردم آنها را لعن و نفرین کرده‌اند (۱۱).

به طور کلی می‌توان گفت تملق می‌تواند دو دسته هدف عمده داشته باشد:

الف) اهداف تدافعی: تملق تدافعی به منظور حفاظت شخصی از نتایج عملکرد ضعیف صورت می‌گیرد. در این حالت فرد ممکن است به منظور برانگیختن حس دلسوزی سرپرست خود این‌گونه رفتار کند.

ب) اهداف سوداگرانه: تملق سوداگرانه واکنشی نیست بلکه اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کند و اغلب خود فرد آن را وسیله‌ی برای ارتقا یا شیوه‌ی برای دستیابی به اهداف شخصی در نظر می‌گیرد (۲۹).

آثار تملق

الف) ذلت و زبونی: از آثار بسیار زشت تملق ذلت و زبونی است. چنین انسانی نخست شخصیت خود را نابود می‌کند و در برابر فردی مثل خود به مدح می‌پردازد و سپس به ناتوانی خویش اعتراف می‌کند و راه ترقی و کمال را بر خود می‌بندد. امام علی (ع) می‌فرمایند: شایسته است انسان عاقل خویشتن را از مستی ثروت، قدرت، علم و دانش، تمجید و تملق و جوانی مصون نگاه دارد. زیرا هر یک از این مستی‌ها بادهای مسموم و پلیدی دارد که عقل را زایل و آدمی را خفیف و بی‌شخصیت می‌کند (۳۸).

ب) غرور و خودپسندی: چپلوسی غرور می‌آورد و مغرور به نصیحت ناصحان گوش نمی‌کند و دچار خودشیفتگی می‌شود. پژوهش‌ها احتمال بالای ظهور افراد مغرور و خودشیفته را در نقش رهبران نشان داده است. به نظر می‌رسد خودشیفتگی با میل به احساس برتری، محق بودن، رفتار قالبی رهبران سیاسی، مدیران اجرایی و دیگر افراد بالارتابه

مطابقت دارد (۳۹) و اگر این رفتارها با قدرت همراه شود، مردم را به سختی و بدبختی می‌افکند (۴۰). فرد چاپلوس، افزون بر اینکه مرتکب دروغ، نفاق و میدان دادن به ستمگران می‌شود، به نسبت موقعیت ستمگران و آثار ناگواری که از تملق او پدید آمده، خود شریک جرم زیان‌ها و خسارت‌های وارد شده از این ناحیه به شمار می‌رود. هر کس به مقدار دخالت، همکاری، تأیید و تشویق خود از دیگران، در پیدایش فساد و ارتکاب جرم و ظلم سهیم است.

ج) از بین رفتن روحیه نقد و نصیحت: میدان دادن به افراد چاپلوس، اصل مهم نقد و نظر را به تملق تبدیل می‌کند و از ایجاد محیط نقادی و نصیحت که از ضروریات جامعه‌ی دینی است ممانعت می‌کند. حضرت علی (ع) در خطبه‌ی ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «و از جمله حقوق واجبه‌ی خدا بر بندگان اندرز دادن و کمک و یاری به یکدیگر است؛ برای اجرای حق بین خودشان به قدر کوشش و توانایی» (۱۷). در واقع فراهم شدن محیط نقد جزو ضروری زندگی بشر است که موجب تصمیم‌گیری درست، بالا رفتن ظرفیت شناختی افراد، تشخیص بهنگام و انجام مناسب وظایف می‌شود (۴۱) و زمینه‌ی فراهم می‌آید تا عیب‌ها مطرح و ضعف‌ها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود (۲۵). باز حضرت در این باره می‌فرماید: «آرا و نظرهای خود را بر یکدیگر عرضه دارید تا رأی صحیح از آن پدید آید» (۱۷).

د) انجام ندادن وظایف و احیای حقوق: روزی حضرت علی (ع) در صفین سخنرانی می‌کردند، مردی حضرت را ستوده و درود فراوان فرستاد؛ امام (ع) در ادامه‌ی سخنرانی فرمودند: «در دیده‌ی مردم پارسا، زشت‌ترین خوی والیان این است که خواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ‌منشی شمارند و کارهاشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند. خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنیدن». به نظر حضرت تمجید رهبران موجب می‌شود که آنها وظایف خود را به خوبی انجام ندهند و از عهده‌ی ادای حقوق مردم بر نیایند (۱۷). رواج این امر در جامعه موجب رکود و جمود همه‌جانبه می‌شود و امکان بررسی همه‌جانبه‌ی مسائل و مشکلات جامعه، کارکرد افراد و تشخیص شایسته از ناشایسته را از بین خواهد برد. در نتیجه افراد بر اساس میزان تملق انتخاب می‌شوند و این روند موجب کنارگذاشتن اصل شایسته‌سالاری در به‌کارگیری نیروی انسانی برای مناصب می‌شود (۱۲).

ه) رواج رفتارهای دروغین: این صفت خبیثه نه‌ری است جاری از دریای وسیع محبت دنیا و خصلتی است به ودیعه گرفته شده از خصلت‌های سگان؛ چون آداب سگان است که در انتظار لقمه‌ی دُم خود را می‌جنبانند و تملق می‌کنند (۴۲). در حکمت ۸۳ آمده است: امام به مردی که در ثناخوانی بر او افراط کرد ولی در دل امام را متهم می‌نمود، فرمود: «من کمتر از آن هستم که می‌گویی و بالاتر از آنم که در دل تو است» (۱۷). در جامعه‌ی که رفتارهای دروغین رواج می‌یابد، جو اجتماعی مملو از بی‌اعتمادی می‌شود و روابط از دوستی‌های مشکوک و نافرجام گرفته تا رودربایستی‌ها و ملاحظه‌کاری‌ها و مصلحت‌جویی‌ها و پنهان‌کاری‌ها و بازی‌ها و در نهایت انواع دشمنی‌ها پیش می‌رود و به صورت‌های بسیار متنوعی از روابط روانی-اجتماعی از قبیل فتنه، دورویی، مبالغه، عیب‌پوشی، نیرنگ، فرصت‌طلبی، افتراء، تحریک و ده‌ها خصیصه‌ی منفی دیگر که جملگی بر پایه‌ی رفتار دروغ شکل گرفته است، تجلی می‌کند (۴۳). از دیدگاه روان‌شناختی، تجربیات اجتماعی افراد به تولید ساختارهای ذهنی پنهان منجر می‌شود که در حافظه یا پایگاه داده ذخیره می‌شود. دانش دامنه‌ی که در حافظه ذخیره می‌شود باید در پردازش وضعیت به منظور تأثیر بر رفتار استفاده شود (۴۴). بر این اساس وقتی افراد مشاهده می‌کنند که رفتار توأم با تملق دیگران به نتیجه می‌رسد به صورت ضمنی آن را یاد می‌گیرند و در موقعیت‌های مشابه به کار می‌برند.

روش‌های برخورد با چاپلوسان

مناسب‌ترین روش برای مبارزه با رفتارهای تملق‌آمیز، بی‌اعتنایی به تملق‌گوینده است. پیامبر اکرم (ص) در نکوهش مدح بی‌جا می‌فرماید: «به صورت چاپلوسان خاک بپاشید» (۴۵).

یکی از بهترین روش‌های برطرف‌سازی رفتارهای تملق‌آمیز، اعتنا نکردن و پاسخ مثبت ندادن به رفتار چاپلوسان است که در حیطه‌ی روان‌شناسی، «خاموشی» نامیده می‌شود. بدین ترتیب، این گونه افراد روش به ظاهر کارآمد خود را غیرمؤثر و تحقیرآمیز می‌یابند و به اجبار، با تجدیدنظر در شخصیت خود، سعی خواهند کرد رفتارهای مناسبی را جایگزین رفتار پیشین خود کنند. در مقابل، توجه و پاسخ مثبت به رفتارهای مناسب و اصلاح‌شده‌ی این گونه افراد، روش مکمل برای راهکار خاموشی است و در اصطلاح روان‌شناسان «تقویت مثبت» نام دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تملق از رذایل اخلاقی است. کسی که چاپلوس است و آن کسی که چاپلوسی و ستایش بی‌مورد را دوست دارد از فضیلت اخلاقی به دور هستند. چاپلوسی موجب می‌شود انسان از ارزش‌های خدایی دور شود و ارزش‌های مادی ملاک بهروزی و برتری او قرار گیرد؛ بدین طریق اسارت وی آغاز می‌شود. چاپلوسی، حالتی است برخاسته از ضعف نفس و نوعی اسارت روحی انسان که در برابر دیگر آدمیان برای جلب منافع و کسب امتیازهای مادی صورت می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین اهداف حضرت علی (ع) که در اندیشه‌ها و سیره‌ی ایشان به وضوح دیده می‌شود، ساختن جامعه‌ی متشکل از انسان‌هایی است که دارای عزت نفس و مناعت طبع باشند تا در مقابل هیچ انسان و مقامی احساس حقارت نکنند و سر فرود نیاورند. با نگاه کلی به نهج‌البلاغه که سیمای اخلاق راستین دینی و ارزش‌های معنوی و انسانی در آن به طور دقیق انعکاس یافته است می‌توان علل تملق و آسیب‌های آن را از نظر حضرت بررسی؛ و راهکار عملی معرفی کرد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اگر ارتباطات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی بر پایه‌ی ضوابط اخلاقی درستی پایه‌گذاری نشده باشد، از تملق‌گویی به صورت ابزاری برای پیشرفت استفاده می‌شود. کمبود واقع‌بینی و شایسته‌سالاری در نظام‌های اداری و عوالم قدرت و سیاست، به‌علاوه بی‌نصیب بودن از دستاورد ابتکارات و خلاقیت‌های ناشی از تعقل‌گرایی، برخی افراد را به سوی ستایش‌گرایی یا ایجاد رابطه‌ی عاطفی مرید و مرادی با مدیران دستگاه‌های مختلف هدایت می‌کند. در نتیجه اشخاص خودبزرگ‌بین می‌شوند و به تدریج رویکرد خودکامگی پیدا می‌کنند و اسیر خواسته‌های غیر اصولی و نفسانی خود می‌شوند. چنین افرادی از دوراندیشی، تفکر و مشورت خیرخواهانه به دورند، برای درایت و تجربه‌ی دیگران حرمت و جایگاهی قائل نیستند و با ترفندهای گوناگون آنان را از چرخه‌ی تصمیم‌گیری‌ها خارج می‌سازند. سطح توقع خودپسندها از نزدیکان به‌ویژه زیردستان، به‌طور روزافزون افزایش می‌یابد و کوچک‌ترین ناهماهنگی را توطئه تلقی می‌کنند و ایشان را مستحق غضب و مجازات می‌دانند و به کسانی که ایشان را در مسیر اشتباه بیهوده می‌ستایند گرایش پیدا می‌کنند.

محدودیت‌های پژوهش

به دلیل اینکه منابع کمتر و پژوهش‌های مرتبط محدودتری در زمینه‌ی تملق یافت شد، از این‌رو، توصیه می‌شود برای بررسی دقیق‌تر و گسترده‌تر موضوع، پژوهش‌های دیگری درباره‌ی انواع و میزان شیوع تملق انجام گیرد.

پیشنهاد‌های پژوهش

پیشنهاد می‌شود مسئولان با استناد به آرای متون دینی و علمی، با تعیین چارچوب‌های قانونی و اخلاقی تعریف و تمجید و ابلاغ آنها به ادارات و نهادها، مانع گسترش آسیب‌های اخلاقی تملق شوند و آموزش‌های لازم درباره‌ی آفت و انواع تملق از طریق متون درسی و رسانه‌ها ارائه شود.

قدردانی

از همه‌ی کسانی که در این پژوهش یاریگر پژوهشگران بودند تشکر و قدردانی می‌شود.

حامی مالی

این پژوهش با هزینه‌ی شخصی نویسندگان انجام گرفته است و حامی مالی ندارد.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی درباره‌ی این پژوهش گزارش نکرده‌اند.

References

1. Dehghan A. THE WAY OF GROWTH. Tehran: Cultural Center Lessons from the Quran; 2008.
2. Beyrami M, Shafiei S. Identifying and Analyzing Values in PhD Students. Ravanshenasi Va Din. 2014;7(3):27- 46.
3. Esmaeelbeigi M, Rezapour Mirsaleh Y, Behjati Ardakani F, Niazi S. Effectiveness of Teaching Moral Concepts in Family through Islamic-based Storytelling on Coping Style and Mental Health of Teenage Girls. J Res Relig Health. 2018;4(3):70-82.
4. Jafari M. Radiation from Nahjolbalagheh. Tehran:

- Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1994.
5. Siegel JZ, Crockett MJ, Dolan RJ. Inferences about moral character moderate the impact of consequences on blame and praise. *Cognition*. 2017;167:201-11.
 6. Haghghat M. Flattery: Satan's ambushes. *Keyhan newspaper [Internet]*. 2014.
 7. Cavazza N. When political candidates "go positive": The effects of flattering the rival in political communication. *Social Influence*. 2016;11(3):166-76.
 8. Kacmar KM, Carlson DS, Bratton VK. Situational and dispositional factors as antecedents of ingratiation behaviors in organizational settings. *Journal of Vocational Behavior*. 2004;65(2):309-31.
 9. Kazemi A. Flattery and the Enlightened Society; *Sociology of Everyday Life in Iran*. 2011.
 10. Nemati S, Allahyar F, Foroughi A. Causes and Consequences of Pretension and Flattery in the Seventh and Eighth Centuries: Isfahan University, Research Institute of Literature; 2013.
 11. Alikhani A. Political development from the perspective of Imam Ali (AS). Tehran: beynalmelal Publishing; 2009.
 12. Savarnajad A. Painful phenomenon of flattery. *shooshan*<http://shooshanir/fa/news/20262>. 2013.
 13. Nasre Esfahani A, Ansari ME, Shaemi A, Agha Hosseini H. Investigation of Social Capital in Service Organizations of Isfahan Province. *Applied sociology*. 2010;22(1):127-34.
 14. Ebrahimi O, Hashemi T, Mohammadi D. The Role of Interpersonal Forgiveness Components in Prediction of Psychological Well-being in High School Students of Tabriz. *Community Health (Salāmat-i ijtimāi)*. 2018;5(1):39-47.
 15. Tavassoli A. Social participation in the conditions of anomic society - the relationship of social and social deviations and social deviations. Tehran: University of Tehran; 2003.
 16. Khansari M. Description of Ghorarolhekam and dorarolkalem. Tehran: Tehran University Press; 1982.
 17. Nahjbalagheh. Shahidi, J. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 1998.
 18. Honarvar M, Pasian Khamri R, Taravat M. Assessment of Social Capital's Dimensions in Iranian Cities through Old Persian Literature Text. *The Scientific Journal of NAZAR research center (Nrc) for Art, Architecture & Urbanism*. 2015;12(33):73-90.
 19. Badri Gargari R, Ebrahimi O, Mohammadi D. Study of Dimensions and Effects of Human Dignity from Imam Riḍā's Viewpoint and Psychology Schools. *journal of Razavi culture*. 2019;7(26):101- 36.
 20. Steelman LA, Rutkowski KA. Moderators of employee reactions to negative feedback. *Journal of Managerial Psychology*. 2004;19(1):6-18.
 21. James K, Verplanken B, Rimes KA. Self-criticism as a mediator in the relationship between unhealthy perfectionism and distress. *Personality and Individual Differences*. 2015;79:123-8.
 22. Pourkhazaie H. Flattering is society pest. 2013.
 23. Poorfalahati MR. Reproof Flattery in the words of Ahl al-Bayt. *Tooba Journal*. 2007;21:99.
 24. Imam Jumazadeh SJ. The pathology of the community and the Islamic state in Nahjol -Balagh. *Political Science Journal*. 2002;17:179- 90.
 25. Dastranj F. Moral pathology from the Nahjol - Balagh viewpoint. *Journal of Nahjolalbagh*. 2010;8(30):170- 88.
 26. Tabarsi F. Interpretation of Majmaalbayan. Mashhad Astan Quds Razavi; 2011.
 - 27.:<http://www.jasjoo.com/books/wordbook/dekhoda/>.
 28. Shoaie A. Flattery and its causes and effects. *kayhan*. 2013.
 29. Abbasi S, Samimi M, AliDost I, Ahmadi A, Hatami Z. Investigating the Factors Affecting Employees and Their Relationship with Job Progress in the General Office of Sports and Youth of Isfahan Province. *Strategic Management and Organizational Behavior Studies in Sport*. 2015;1(14):79- 90.
 30. Durkheim E. Rules and Methodology of Comprehension. Tehran Tehran University Press; 1995.
 31. Prook J, Janssen DP, Gualeni S, editors. *The Negative Effects of Praise and Flattery*. FDG; 2015.
 32. Fiske ST, Taylor SE. *Social cognition: From brains to culture*: Sage; 2013.
 33. Baghi A. The Impact of Bribery on Community Retirement. *Journal of Cultural Engineering*. 2012;6(57):50- 8.
 34. Ebrahimifar T. The need to develop the spirit of criticism and critique. 1995:Version 6. <http://iranpress.ir/farhang/template1/News.aspx?NID=186>.
 35. Pour Rostami H, Rezaei H. Typology and Validation of Ethical Spectra in the Religious Society. *Journal of Research Ethics*. 2013;5(17):87- 100.
 36. Mousavi Khomeini R. Description of Forty Hadis. Edition F-S, editor. Tehran Imam Khomeini Institute for Publishing and Editing Imam Khomeini; 2009.
 37. Hoseyni Tehrani MH. *Lob-al Lobab Leaflet*. 22, editor. Mashhad Allameh Tabatabai Publishing; 2013.
 38. Amidi AW. *Ghorar-al Hekam and Dorar-al Kalem*. Qom, Dar-al Kotob-e-Islami; 1988.

39. Macenczak LA, Campbell S, Henley AB, Campbell WK. Direct and interactive effects of narcissism and power on overconfidence. *Personality and Individual Differences*. 2016;91:113-22.
40. Golsharkhi Kashani R. Stop Flattering. *Magazine Lessons from Islam School*. 1972;12(4):13- 6.
41. Vong SA, Kaewurai W. Instructional model development to enhance critical thinking and critical thinking teaching ability of trainee students at regional teaching training center in Takeo province, Cambodia. *Kasetsart Journal of Social Sciences*. 2017;38(1):88-95.

42. Naraghi MA. Me'raj-al Saadat. Edition S, editor. Tehran: Rashidi Publications; 1984.
43. ShakarBigi A. Lies in the individual relationship is pest *Journal of Social Issues*. 2010;23.
44. Garrigan B, Adlam AL, Langdon PE. Moral decision-making and moral development: Toward an integrative framework. *Developmental review*. 2018;49:80-100.
45. Majlesi MB. Behar-al Anwar. 71, editor. Beirut: Al-Wafa Foundation; 1982.